

تأملی در دفاعیات صائن الدین علی ترکه اصفهانی

(درگذشته ۵۸۳۵. ق)

دکتر فوجی‌ای موریو*

چکیده

اندیشمند وارسته قرن نهم، صائن الدین علی ترکه اصفهانی در دوره سقوط شعر کلاسیک فارسی می‌زیست. او که زوایای اندیشه‌اش آراسته به عرفان بود در دفاعیات خود امکانات احیای روحیه نقادانه نخبگان علم را به ما عرضه می‌کند. دید تحلیل‌آمیز صائن الدین، حقیقتاً نسبی بودن اسامی یا عناوین محوّل بر اندیشه‌وران «کفر» را در جامعه به ما خبر می‌دهد. محتوای فکری، دیدگاه عرفانی و جنبه‌هایی از دفاعیات او شایسته بررسی و شناخت می‌باشد.

کلیدواژه: صائن الدین علی ترکه اصفهانی، رساله اعتقادات نفثة المصدور اول، نفثة المصدور دوم.

عصر شاهرخ تیموری (۸۰۷-۸۵۰. ق.) که در حوزه تاریخ ادب فارسی، دوره آغاز افول و انحطاط شعر کلاسیک فارسی شناخته شده است، از نظرگاه تحولات و تکامل اندیشه ناب متفکران ایرانی همچنین دوره آغاز شکل‌گیری تلفیق و انطباق فلسفه و

E-mail: fujii.morio@tufs.ac.jp

*. عضو هیئت علمی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو.

تصوف و اشراق در درون محیط فرهنگی تشیع بشمار می آید. ظهور «حکمت متعالیه» که در دوره صفویه ثمرهای آن به بار می نشیند، در چارچوب منظومه فکری اندیشمندان متمایل به «عرفان» این عصر شکل گرفته است.

صائن الدین علی ترکه اصفهانی یکی از اندیشه گران برجسته این عصر و منبع اصیل این گرایش عرفانی است. از منابع معتبر تاریخ چنین بر می آید که این متفکر کم نظیر عصر با آن همه فضل و دانش و تسلط بی همتا در علوم قدیمه و غریبه (بخصوص علم حروف)، چنانکه رسم زمانه است، در طول زندگی از بدخواهی و اغراض حسودان و بداندیشان هرگز در امان نماند. صائن الدین در دفاعیاتی که در اعتقادات، نفثه المصدور اول، و نفثه المصدور دوم، به شاهرخ و بعد از حادثه احمد لر، به میرزا بایسنغر به فارسی نوشته، حقائق بسیاری از موقعیت اجتماعی و فرهنگی، همچنین عناصر تعیین کننده سرنوشت نخبگان علم آن عصر را بیان کرده است.

جدول مختصر تاریخ تألیف نوشته ها و حوادث

مربوط به دفاعیات صائن الدین

< 1368-69/770 > تولد صائن الدین

ذی حجه	1404/806	: شرح نظم الدر
۱۷ رمضان	1425/828	: انزلیه (اشاره به «مهدی» بعنوان خاتم محبوب)
ربیع الاول	1426/829	: رساله شق قمر و ساعت (احتمال آغاز گرفتاریها)
۱۶ جمادی الاول	1426/829	: رساله اعتقادات
۸ رجب	1426/829	: نفثه المصدور اول، خطاب به شاهرخ
۲۳ ربیع الآخر	1427/830	: حادثه احمد لر، سوء قصد یکی از مریدان فضل الله

حروفی به جان شاهرخ

? : نفثه المصدور دوم، خطاب به بایسنغر

/830 : التمهید فی شرح قواعد التوحید (تمهید القواعد):

شرح به روش ابن عربی

1427-28/831 : تحفة علائیه

1429-30/833 : المفاحص (اشاره به علم احصائی و حضرت

علی علیه السلام)

< 1431-32/835 > وفات صائن الدین

۱. اتهام اصلی صائن‌الدین چنان‌که از نوشته‌هایش بر می‌آید، عدول از طریقه سنت و جماعت و گرایش به تشیع و تصوف، و روابط با فرقه حروفیه می‌باشد، اما چنانچه در نفثه‌المصدور اول و نفثه‌المصدور دوم و گزارشی از قضیه میرزا اسکندر، حاکم اصفهان، و مولانا معروف خطاط و قاسم انوار به ارتکاب حروفیه، دیده می‌شود (حبیب‌السیر از خواندمیر، جلد سوم، ص ۶۱۷)، چه بسا این اتهامات، در اصل، جنبه سیاسی داشته و پایه و اساس آن اختلاف نظر و درگیری‌های شخصی بوده و بظاهر پوشش و رنگ مذهبی گرفته است. صائن‌الدین این «اتهامات» را «این فتنه» خوانده است و احتمالاً اشاره او به این‌که «چیزی از سخن مشایخ نبشته است فلانکس، در بیست سال پیش از این» اشاره به همین گونه درگیری‌های فکری است.

بعد از حادثه احمدلرنام (از مریدان فضل‌الله حروفی) که قصد جان شاه‌رخ کرد، روش قلم صائن‌الدین در نوشته‌های دفاعی‌اش رنگ دیگری پیدا می‌کند. اینجا برای این‌که از محیط اجتماعی عصر او تا حدی آگاه باشیم، اول، نگاهی به محتوای فکری نفثه‌المصدور دوم که بعد از حادثه احمدلر خطاب به میرزا بایسنغر نوشته شده می‌اندازیم و بعد به مطالب ویژه اندیشه و ادب می‌پردازیم.

تفاوت عمده کیفیت بیانی نفثه‌المصدور دوم با دفاعیات قبل از «حادثه احمدلر» را بخصوص در افزایش درجات عناصر واقعی اجتماعی می‌بینیم که با شعور خود آگاهی «نخبه سالاری» به عنوان سرآمد علوم عصر همراه بود. بیان صائن‌الدین اعتبار علمی و شهرت و طبیعتاً مقام مهم او را در جامعه عصرش می‌رساند. از قلم خود او معلوم می‌شود که عقاید و انتقادات و بیانات او از اعتبار و ارزش بسیار برخوردار بوده تا جایی که باعث حساسیت سیاسی از سوی حکام گردیده بود:

طالب علمی (صائن‌الدین) که نبشته‌های او همراه صبا و شمال به جناح دلبذیری و قبول، اقطار و اکناف جهان را فرو گرفته باشد و قصاد از هندوستان و روم جهت نسخه رسایل و توالیف او فرستند و طلبند و شاگردان او اطراف ممالک مثل شیراز و سمرقند و روم و هند، میان دانشوران مشار الیه‌اند.

(۲۰۹-۲۱۰)

لحن انتقاد صائن‌الدین نسبت به «آن جماعت» (جمعی که «دکان مشیخت» واکنند، ۲۱۲) اینجا بسیار شدید است. استفاده از غزل «لاله ساغرگیر و نرگس مست و بر من نام فسق» از حافظ (۲۱۵) بیش از هر چیز بیانگر واقعیات اجتماعی این عصر است که

در ضمن، نبوغ صائن‌الدین را در درک و دریافت این واقعیات منعکس می‌کند؛ بخصوص، انتقاد علنی صائن‌الدین به «طایفه طلبه» معطوف می‌شود.

طایفه طلبه بیشتر به امراض روحانی مثل حسد و بغض و بخل و غیره مبتلا می‌باشند و بی‌تنقیه و تهذیب نفس مشغول به تناول غذا که عبارت از علم است می‌شوند، هر آینه به تراکم آن امراض مبتلا شوند. (۲۱۰)

اشارات صائن‌الدین به این «فتنه» در شرایطی که او را «ده طفل و عورتی چند ملازم بودند» گوشه‌هایی از زندگی او را به روشنی گزارش می‌کند و پیدا است که این اشاره بی‌ارتباط به نویسنده مرصادالعباد نجم‌الدین رازی که از مهلکهٔ حملهٔ مغول جان سالم به در برده بود، نیست.

یک صباح جمعی صلحا و عزیزان را طلبید و نسخهٔ صحیح بخاری در میان نهاده و در کیفیت ختم آن جهت سلامتی از این واقعه مشورت می‌کند که شخصی از قلعه رسید که ایلچی آمده است و به حضور شما احتیاج دارند جهت مشورتی، ضرورت شد روان شدن همان بود دیگر نه خانه را دید و نه یاران را و نه فرزندان و عیال مگر بدترین اوضاع و احوال.

بارید به باغ ما تگرگی وز گلبن ما نماند برگی (۲۰۵)

گزارش‌های صائن‌الدین از آوارگی‌هایش در شهرها، از همدان، تبریز - که «از اذیت‌هایی از ترکمنان خالی نبود» - و گیلان و سمنان گرفته تا نطنز و هرات هم کلاً واقع‌بینانه است. در اینجا، انعکاس‌هایی از واقعیات فساد بیمارگونهٔ جامعهٔ عصر صائن‌الدین، بخصوص، فساد «اخلاقیت» مشاهده می‌شود که به گفتهٔ صائن‌الدین، جز «مرض روحی رخنه‌دار در جامعه» نیست.

غرض که هیچ کس را از اعیان مشهوران جهان طمع این نبوده که از غایلهٔ زبان اقران زمان خود سالم باشد. (۲۱۰)

۲. در دفاعیات صائن‌الدین، اعتقادات و نفثهٔ المصدور اول، که به خاطر رفع ارتکاب اتهامات کفر از طرف علماء، خطاب به شاه‌رخ نوشته شده مطالبی دیده می‌شود که در تاریخ اندیشه و ادب ایران جایگاه بسیار باارزشی دارد و مسلماً جای دارد مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱. اشارهٔ صائن‌الدین به عدم امکانات ادراک حقائق مخصوص «درویشان» طریقت. علم کشفی و ذوقی که فقط برای کسی «تمام» و «گزیده و خاص» باشد، دسترسی

به‌درک و شناخت آن ممکن می‌گردد، در اصل، معیاری است که اساس تشخیص و تفاوت بین اهل حقائق (یا خواص) با عوام می‌گردد. در دفاعیات صائن‌الدین، این اصول «راز خاص گفتن فقط با خاص» (شرح تعرف) در قالب عرفانی با شعور «خود آگاهی نخبه سالاری به‌عنوان سرآمد علوم عصر» همراه می‌شود. صائن‌الدین که در دفاعیات، خود را اهل سنت و جماعت توجیه می‌کند، به روشنی و به کرات بر ضرورت «تشخیص» اهل ظاهر و «سالک» تأکید می‌کند.

سبب آنکه این طایفه منکر می‌باشند درویشان را، آن است که علمی چند مشکل از آثار انبیاء و رموز اولیاء بر روی روزگار مانده، دست فهم هر کس به دامن ادراک آن نمی‌رسد، و به غیر از زیرکان هوشمند که به جنس متابعت و پیران طریقت این راه را سپرده به پایمردی رفیق توفیق بعد از ریاضت‌های بی‌شمار و علوم بسیار که حاصل کرده تیزکام فکر را در این میدان توانند دوانید دیگری را مجال ادراک آن نمی‌باشد. (۲۲۳، اعتقادات).

به سخن هرکس از این راه نباید رفتن (۲۴۴، اعتقادات)

این همه سخن صحابه و تابعین است که دلالت می‌کند که بدانکه علم

پسندیده ایشان، پنهان است از ادراک مردم. (۱۸۶، نفثة‌المصدور اول)

گزارش صائن‌الدین به «رمز» و «علم» نشانه اعتقادات «اشراقی» و «احصایی» و «حروفی» (اصل احصایی) اوست و از دیدگاه او «اذواق اولیای حق» باید مقدس و منزّه باشد از هر چه در عقل گنجد.

صائن‌الدین متکی به قول حکیم ترمذی، حرف‌هایی را ذکر کرده است که جنبه مشترک فکری او با اندیشه‌ها و تعالیم عین‌القضات همدانی را می‌رساند.

در کلمات اهل بصیرت و عرفان متشابهات بود و «فهمه الحقیقی موقوف علی طور وراء‌العقل». (۱۸۹، نفثة‌المصدور اول)

در شکوی الغریب دفاعیات معروف عین‌القضات می‌بینیم که اعتراف به «طور وراء‌العقل» از اسباب اذیت نبوغ بارع اندیشه ایران گردیده است. با نظر گرفتن خصوصیات موضوعی «دفاعیات» را که اساس آن توجیه جایگاه اعتقادی خود باشد، ذکر «طور ورای عقل» معضلات و پیچیدگی درونی صائن‌الدین را می‌رساند. اینجا هم امتیاز «خاصان» را علناً سخن می‌راند.

کسی را قوت فهم آن باشد که از محصوره عادات اهل رسوم خلاص شده

باشد و قانون پسندیده لغات را ملغی دانسته، از راه کوچه نجات منصرف گشته باشد و سخن را مبراً از این رسوم جعلی فهم کند.

در جهان هرچه کرده‌اند عوام نزد خاصان رسوم و عادات (۲۳۵، اعتقادات)

ب. برداشت صائن‌الدین از «تأویل»

در رساله اعتقادات، تفسیر و گاهی «تأویل» تمثیل گونه‌ئی از احادیث دیده می‌شود. اما در رساله اعتقادات، به نظر می‌رسد که اصطلاح «تأویل» با مفهوم منفی بکار می‌رود:

چنانچه در بیان عقیده بدان اشارتی شده او را روشن گردد، بی‌ارتکاب تأویل و التزام تعسفات آن. (۲۴۲، اعتقادات)

در این رساله، صائن‌الدین از واژه «تأویل» گویا محتاطانه دوری جسته است، و در مواردی که نیاز به نوعی «تأویل» حس می‌کند، عباراتی نظیر «لطایف و اشارات»، به «زبان رمز»، «زبان اشارت» را بکار می‌گیرد که به گفته خودش «بدین زبان اشارت به علمی دیگر می‌شود از این علوم». این نوع «دست به تأویل گشادن در نهی تأویل»، همان روش رشیدالدین میبیدی در کشف الاسرار و عدة الايراد و مولانا در مثنوی را یاد می‌آورد.

اما صائن‌الدین در نفثة المصدور اول، رسم احتراز از اصطلاح «تأویل» را کلاً رها کرده و به توجیه و تأویل «سخنان مشایخ» می‌پردازد.

هر چه سخنان مشایخ صوفیه است اولاً قابل توجیه و تأویل است و ائمه فقه بر این‌اند که اگر سخنی چند وجه باشد که همه کفر باشد و یک وجه باشد که آن کفر نباشد مفتی را میل بدان وجه می‌باید کرد و حکم بر کفر نکرد.

(۱۷۴، نفثة المصدور اول)

به اعتبار مفهوم «تأویل» دارای درجات گوناگون آن است و به نظر می‌رسد که ضروری است که هر موضوع مستقلاً مورد تحلیل قرار گیرد.

بررسی دفاعیات صائن‌الدین هم نگاهی محققانه به ارتباط محیط جامعه با روند تکوین اندیشه و آثار ادبی در عصر صائن‌الدین فراهم می‌آورد، هم امکانات احیای روحیه نقادانه نخبگان علم یا نبوغ درخشان ایران را به ما عرضه می‌کند.

در آخر، دید بسیار عمیق صائن‌الدین به وضع اجتماعی هم عصر او ارائه می‌شود.

چون زبان طعن عیب‌جویان هرکس را نامی می‌نهند و جامه نام و ناموس هر کس می‌شناسند به‌رنگهای گوناگون می‌زند، یکی را به رفض نسبت می‌کنند، و یکی را بدانکه خارجی است، و یکی را بدانکه معتزلی است، این فقیر را باری در سلک طایفه صوفی می‌کشند. (۲۲۴، اعتقادات)

دید تحلیل‌آمیز صائن‌الدین، حقا نسبی بودن اسامی یا عناوین محول بر اندیشه‌وران «کفر» را در جامعه به‌ما خبر می‌دهد. به‌قول او، چهره‌های واقعی مفهوم واژگانی مثل «زناده» یا «روافض»، «مجسمه»، «وجودی»، «شیعه»، «کریمی»، «معتزله» را باید در قرینه اجتماعی آن دنبال کرد. باید شناخت که این نوع دید اجتماعی تحلیل‌آمیز از نهاد یک اندیشه‌ور متمایل به عرفان ایجاد شده بود.

منابع:

۱. چهارده رساله فارسی از صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، به تصحیح دکتر سید علی موسوی بهبهانی و دکتر سید ابراهیم دیباجی، ۱۳۵۱.
۲. عقل و عشق یا مناظرات خمس، صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، تصحیح و تحقیق اکرم جودی نعمتی، ۱۳۸۴.
۳. شرح نظم الدر (شرح قصیده تائیه کبرای ابن فارض)، صائن‌الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی، تصحیح و تحقیق دکتر اکرم جودی نعمتی، ۱۳۸۴.
۴. «احوال و آثار صائن‌الدین ترکه اصفهانی»، دکتر سید علی موسوی بهبهانی، مجموعه سخنرانیها و مقاله‌ها درباره فلسفه و عرفان اسلامی، ۱۳۴۹.
۵. «دستور زبان عرفان یا عرفان دستور زبان»، نامه شهیدی، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ۱۳۷۴، ۴۴۸-۴۲۷.
۶. رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، دکتر تقی‌پور نامداریان، ۱۳۸۳.
۷. «تأویل در مثنوی»، قمار عاشقانه، عبدالکریم سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵-۱۳۸.
۸. حیب‌السیر، خواندمیر، جلد سوم، ۱۳۵۳، ص ۶۱۷-۶۱۵.
۹. مرصادالعباد، نجم رازی معروف به دایه، به اهتمام محمد امین ریاحی، ۱۳۶۶.